

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی **صبح ایران**

صاحب امتیاز و مدیرمسئول : **مهدی رحمانیان**

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مسیری، پلاک ۲۲ • **تلفن:** ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • **نمابر:** ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • **تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها:** ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • **تلفن امور مشترکین:** ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • **تلفن:** ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • **چاپ:** صمیم

شترق

سه‌شنبه ۲۵ آذر ۱۴۰۴
۲۵ جمادی الثانی ۱۴۴۷
۱۶ دسامبر ۲۰۲۵
سال بیست‌ودوم
● **شماره ۵۲۸۱**
● **۱۲ صفحه**
اذان ظهر تهران
۱۲:۰۰ • **اذان مغرب** ۱۷:۱۳ • **اذان صبح فردا** ۵:۳۸ • **طلوع آفتاب** ۷:۰۸

طنزخوانی

آداب کافه‌نشینی



آردشیر ساید

از آنجایی که متأسفانه فرهنگ کافه‌رفتن و کافه‌نشینی در کشور در حال تقویت است، امروز توصیه‌هایی در باب آداب کافه‌نشینی برایتان داریم که امیدواریم جدی بگیرید:

- با توجه به گران شدن آیتم‌های کافه، از خانه برای خودتان خوراکی بیاورید. ویت‌ر که آمد سفارشتان را بگیرد داخل کیفتان را نشان دهید و بگویید ممنون، همه‌چی هست.

- کافه محیطی عالی برای کارکردن است. با خودتان لپ‌تاپ ببرد و ۱۰ ساعت توی کافه بنشینید و یک آبخوش سفارش دهید تا ارزان تمام شود. جای کیسه‌ای را توی آبخوش بغلتانید و به صاحب کافه لیخند بزنید. قطعا خوشحال می‌شود.

- از تاکتیک‌های ناشناخته برای آچمزکردن پرسنل کافه استفاده کنید. ویت‌ر که آمد سفارشتان را بگیرد، بگویید یک پاستا الفردو با دوغ آبغلی. هرازگاهی دادن حس ناکافی‌بودن به کارکنان کافه باعث می‌شود در ادامه مسیر اسیر غرور نشوند.

- فراموش نکنید که کافه بر خلاف باور عموم، یک فضای خصوصی است. از ارتکاب اعمالی که آدم در سنانس‌ظهر سینما هم انجام نمی‌دهد ایبای نداشته باشید. بقیه از دیدن شما خوشحال می‌شوند.

- متأسفانه دیده می‌شود که برخی کافه‌ها از مردم فاصله گرفته‌اند و با حالتی نخوت‌آلود اعلام می‌کنند که برگزاری تولد در کافه‌شان ممنوع است. به هیچ عنوان به این ممنوعیت‌ها توجه نکنید. پنهانی با خودتان کیک دوکیلوبوی تولد را به داخل کافه ببرید. میکروفن را وصل کنید به اسپیکر و ناگهان بخوانید عزیزم هدیه من برات یه دنیا عشقه/ زندگی‌با بودنت درست منه پهنشه.

- ساعت ۱۰ شب دو سه شات دبل‌اسپرو سفارش دهید تا پتیک کنید. آدامگی پرسنل‌نل کافه را برای امداد‌رسانی و احیای بیمار بسنجید.

- من متوجه نمی‌شوم چرا وقتی می‌رویم به فرض لباس بخریم دو ساعت با فروشنده چانه می‌زنیم اما در کافه راحت زیر بار چایی صد هزار تومان می‌رویم. پس چانه بزنید و مذاکره برای کاهش قیمت را در کافه‌ها عادی‌سازی کنید. صاحب کافه اگر دفتر هم باز کرد و قیمت خرید قهوه را نشان داد، بگویید ۵۰ حساب کن مشتری شیم.

- ویت‌ر غلام حلقه به گوش شماست. به اینها احترام بگذارید. فردا تو روی شما درمی‌آیند. همواره موضع قدرت خود را حفظ کنید. اول صدایشان کنید بعد منو را باز کنید و خیلی آرام و با طمأنینه دست به انتخاب بزنید. اگر خدای نکرده ویت‌ر اعتراض کرد یا گفت هر وقت انتخاب کردید من می‌آیم، سریع دستش را بگیرید و ببرید

در میدان شهر بفروشیدش.

- و به‌عنوان نکته آخر، به یاد داشته باشید هر چیزی که روی میز است متعلق به شماست. حین ترک کافه حواستان باشد که نبات و دارچین و گل‌محمدی و دستگاه لاه روی میز... و را لای دستمال بیچید و همراه خود ببرید. این عمل، تصویری خوب از شما به‌عنوان شهروندی که اسراف نمی‌کند در اذهان عمومی می‌سازد.

اتفاق‌خوانی

تهران سرد می‌شود

هواشناسی استان تهران با صدور هشدار سطح زرد از فعالیت تابویسته سامانه بارشی به‌ویژه امروز و پنجشنبه (۲۵ و ۲۷ آذرماه) خبر داد.
این شرایط لغزندگی خیابان‌ها و جاده‌ها به‌ویژه در مسیرهای کوهستانی و گردنه‌ها، مه و کاهش شعاع دید، به‌ویژه در نواحی پرت‌ردد شهری، مه‌دود و کاهش محسوس کیفیت هوا به‌ویژه در ساعات آخر شب، آب‌رفتگی معابر و جاری شدن رواناب، بالاآمدن موقت سطح آرد روب‌خانه‌ها و احتمال سیلابی شدن مسیل‌ها، احتمال صاعقه و بارش تگرگ، کاهش دما به‌طور میانگین چهار تا شش درجه سلسیوس از فردا تا صبح شنبه و یخ‌نندان سطح زمین را در پی دارد.

دفاع پیمان جبلی، رئیس صداوسیما، از طرح مجلس برای کنترل رسانه‌ها و شبکه‌های نمایش خانگی، صرفاً یک اختلاف حقوقی یا دغدغه فرهنگی نیست و لابد این دفاع نشانه تلاش برای بازتعریف خطرناک توازن قدرت رسانه‌ای است. آنچه در ظاهر با عنوان فریبنده «حمایت و رسیدگی به تخلفات حوزه صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی» عرضه می‌شود، در لایه عمیق‌تر، وسوسه تبدیل یک سازمان ورشکسته بحران‌زده به مرجع مطلق تنظیم‌گری، نظارت، قضاوت و مجازات است. این طرح از دل یک نیاز اجتماعی یا اجماع کارشناسی برخاسته، بلکه از دل ناکامی مزن صداوسیما در رقابت، مرجعیت و اعتماد عمومی زاده شده است. سازمانی که به‌جای پاسخ‌گویی درباره ریزش مخاطب، افول اعتبار و فقدان قانون اداره شفاف، می‌کوشد با گسترش قلمرو نظارت بر دیگران، شکست‌های خود را پنهان و انحصار از‌دست‌رفته‌اش را با این ابزار بازسازی کند.

صداوسیما پیش از آنکه ادعیه تنظیم‌گری دیگران را داشته باشد، باید تکلیف خودش را روشن کند. سازمانی که نه قانون اداره دارد، نه صورت‌های مالی شفاف منتشر می‌کند، نه در برابر دولت برآمده از رای مردم پاسخ‌گو است و نه حتی برای شورای نظارت قانونی‌اش تره خرد می‌کند، چگونه می‌تواند مرجع داوری و قضاوت درباره دیگر رسانه‌ها باشد؟ صداوسیما تنها رسانه‌ای در جمهوری اسلامی است که عملاً فراتر از سه قوه ایستاده؛ بودجه می‌گیرد، اما حساب پس نمی‌دهد؛ ادعای اثرگذاری ملی می‌کند، اما ریزش مخاطبش مژمن و ساختاری است. بحران صداوسیما صرفاً بحران محتوا یا فرم برنامه‌سازی نیست؛ مسئله عمیق‌تر و ساختاری‌تر از آن است: بحران مرجعیت. سال‌ها مدیریت ناکارآمد، نگاه امنیتی به مخاطب به‌جای نگاه ارتباطی، حذف سیستماتیک سلیقه‌های متنوع و فروگاستن رسانه ملی به یک تریبون فرمایشی و صد کدایی، به فرمایش تدریجی اما جدی حیثیت رسانه‌ای نظام انجامیده و پیامد طبیعی‌ای روند، مهاجرت مرجعیت رسانه‌ای از درون کشور به بیرون مرزها بوده است. کاهش مستمر رجوع عمومی به رسانه ملی، نشانه شکست یک الگوی مدیریتی و ارتباطی است که یقیناً با توسعه ابزارهای نظارتی، انحصار قانونی یا فشار بر قبا ترمیم نمی‌شود. در چنین وضعیتی، تأسیس «ساتر» با تفسیری موسع و مناقشه‌برانگیز از اصل ۱۷۵ قانون اساسی، بیش از آنکه پاسخی حرفه‌ای به نیاز تنظیم‌گری باشد، به ابزار برای مهار و محدودسازی رقبا شابهت دارد. ساتر، به‌عنوان



قادر باستانی

زیرمجموعه صداوسیما عمل می‌کند، در حالی که خود صداوسیما یکی از اصلی‌ترین ذی‌نفعان بازار صوت و تصویر و بازیگر مستقیم این میدان است. وضعیتی که در آن، یک نهاد هم‌زمان تولیدکننده، رقیب، صادرکننده مجوز، ناظر و تنبیه‌کننده می‌شود. این هم‌پوشانی نقش‌ها مصداق روش تعرض منافع ساختاری است که اصل رقابت منصفانه را مخدوش می‌کند و اعتبار هر نوع نظارت را از اساس زیر سؤال می‌برد و در هیچ الگوی پذیرفته‌شده تنظیم‌گری رسانه‌ای قابل دفاع نیست.

طرح جدید مجلس، این وضعیت معیوب و پرمسئله را یک گام فراتر می‌برد و آن را به سطحی خطرناک از تمرکز قدرت می‌رساند. براساس این طرح، صداوسیما به نهادی همگام بدل می‌شود که هم صادرکننده مجوز است، هم ناظر محتوا، هم مرجع تشخیص تخلف و هم مجری مجازات. یعنی ترکیب بی‌سابقه‌ای از قدرت، بدون پیش‌بینی سازوکار مؤثر برای اعتراض، دادرسی مستقل یا تجدیدنظر. در کنار این تمرکز، استفاده از تعاریف کُشدار و مبهمی همچون «رسانه» و «رسانه کاربرمحور» عملاً تمام زیست‌بوم دیجیتال را ذیل اقتدار صداوسیما تعریف می‌کند؛ از پلتفرم‌های نمایش خانگی و سکوهای بومی گرفته تا اینستاگرام، یوتیوب، پادکست‌پلیرها و حتی گروه‌ها و کانال‌های تلگرامی. ترجمه روشن این منطق آن است که کاربر ایرانی برای هرگونه تولید و انتشار محتوای صوتی و تصویری، باید از صداوسیما مجوز بگیرد. حقوق‌دانان به‌درستی هشدار می‌دهند مسئله اصلی این طرح، شبکه‌های نمایش خانگی نیست و تمرکز ظاهری بر این حوزه، پوششی برای هدفی عمیق‌تر و پنهان‌تر یعنی مهار رسانه‌های کاربرمحور است؛ همان عرصه‌ای که صداوسیما سال‌هاست در آن شکست خورده و عملاً از رقابت حذف شده است. این طرح تلاشی است برای جبران ناکامی

تاریخ‌خوانی

سمنوبرای تاجیکستان، بهزاد برای افغانستان

حوزه نوروز به شمار می‌رود و در کشورهای مختلف با روایت‌های محلی حفظ شده است.

همچنین این نهاد می‌افزاید که سمنو در تاجیکستان نه‌تنها یک غذای سنتی محسوب می‌شود، بلکه بخشی از هویت فرهنگی و میراث معنوی مردم این کشور است و نقش مهمی در تقویت مشارکت اجتماعی، انتقال دانش بومی و حفظ آیین‌های نوروزی دارد.

از طرفی سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) اعلام کرده که «سبک هنر نگارگری کمال‌الدین بهزاد» به‌عنوان «میراث فرهنگی ناملموس افغانستان» در فهرست میراث جهانی به ثبت رسیده است. یونسکو گفته که هنر مینیاتور، شکل دقیق و نامداین از نقاشی صحنه‌هایی از تاریخ و ادبیات است. در بیانیه سازمان علمی، آموزشی و فرهنگی سازمان ملل متحد آمده که وظیفه اصلی این‌هنر، آشناسکردن جوامع با عناصر فرهنگ، تاریخ و ادبیات است و دانش و بینش گذشته جمعی را مجسم



«داغ آب» در کویش محلی چهارمحال‌وبختیاری، به جای خیس باقی‌مانده روی زمین گفته می‌شود؛ همان اثری که رودخانه پس از رقتش روی تن خاک می‌گذارد. اما این نام، امروز معنای دیگری هم پیدا کرده است؛ داغی که از بی‌آبی بر دل مردم نشسته است. کارشناس می‌گویند این شرایط نتیجه یک خشک‌سالی گذرا نیست، بلکه آغاز مرحله تغییر اقلیم است؛ تغییری که خود را در الگوی بارش، افزایش دما، افت سطح آب‌های زیرزمینی، کاهش پوشش گیاهی، تهدید کشاورزی و حتی خطر فرونشست زمین نشان داده است. عکس: احمد راجی‌دهکردی، ایرنا

instagram:sharghdaily1

twitter:sharghdaily

youtube:sharghdaily

Telegram:SharghDaily

apararat:tasvirshargh

www.sharghdaily.com

وقتی صداوسیما به دنبال کنترل همه رسانه‌هاست

در جذب مخاطب، نه از مسیر اصلاح، نوآوری و بازسازی اعتماد، بلکه با محدودسازی رقابیی که توانسته‌اند تا حدی خلاهای رسانه رسمی را پر کنند. در حالی که رویکردانی مخاطب از رسانه رسمی یک پیام روشن دارد و پاسخ سالم و عقلانی به این پیام، بازنگری در سیاست‌ها، ساختارها و شیوه‌های ارتباطی درون سازمان است، نه مسدودکردن مسیرهای جایگزین و تنبیه زیست‌بومی که به‌طور طبیعی در حال پاسخ‌دادن به نیازهای جامعه است. تناقض تلخ ماجرا آنجاست که صداوسیما حتی در ابتدایی‌ترین سطح نظارت بر محتوای خودش نیز ناتوان است. حال با چه اعتباری می‌خواهد صلاحیت نظارت بر هزاران تولیدکننده مستقل را داشته باشد؟ اعتبار، با فرمان و جریمه تولید نمی‌شود؛ با کیفیت، اعتماد و رقابت سالم به دست می‌آید. از منظر جامعه‌شناختی، این طرح با یک خطای پارادایمی بنیادین هم روبه‌رو است. قضاای مجازی بر منطق «جامعه شبکه‌ای» استوار است؛ ساختاری غیرمتمرکز، سیال، افقی و مشارکتی که در آن تولید و توزیع معنا از انحصار نهادهای رسمی خارج شده است. تحمیل الگوی نظارت متمرکز و بالا به پایین بر چنین زیست‌بومی، ناکارآمد است و پیامدهایی مخرب همچون تصمیم‌های سلیقه‌ای، گسترش رانت، بی‌ثباتی قواعد و فرسایش اعتماد عمومی دارد. تجربه شکست‌خورده طرح «صیانت» به‌روشنی نشان داد جامعه در برابر تلاش برای مهار شبکه‌ای با ابزارهای متمرکز مقاومت می‌کند و هزینه این تقابل، مستقیم بر دوش سرمایه اجتماعی نظام تحمیل می‌شود. نکته مهم دیگر، انگیزه مالی است. گردش مالی عظیم تبلیغات و تولید محتوا در فضای مجازی، صداوسیما را وسوسه کرده تا از مسیر تنظیم‌گری، سهمی از این بازار بگیرد. جریمه یک تا پنج‌درصدی از درآمد ناخالص، قطع تبلیغات و محدودیت پهنای باند، بیش از آنکه ابزار فرهنگی باشند، ابزار اقتصادی فشار بر بخش خصوصی تحیفی است که اتفاقاً توانسته بخشی از نیاز مخاطب را پاسخ دهد. این طرح نه به نفع فرهنگ است و نه به نفع حاکمیت رسانه‌ای. اگر دغدغه، صیانت از ارزش‌ها و حقوق عمومی است، راهش تقویت نهادهای مستقل، شفافیت، گفت‌وگو با جامعه و پذیرش تنوع رسانه‌ای است، نه تبدیل صداوسیما به قاضی، مجری و رقیب هم‌زمان. صداوسیما پیش از آنکه دستش را به سوی مهار دیگران دراز کند، باید در آینه نگاه کند. مسئله امروز رسانه در ایران، کمبود قانون برای محدودسازی نیست؛ کمبود اعتماد برای مرجعیت است. و این خلا را هیچ طرح کنترلی‌ای پر نخواهد کرد.

هنرخوانی

لیلاحاتمی: چرا «قاتل ووحشی» اجازه پخش ندارد

داستان توقیف ۶ساله یک فیلم

شش سال از توقیف فیلم «قاتل و وحشی» به کارگردانی حمید نعمت‌الله می‌گذرد و با وجود آنکه تلاش‌های زیادی صورت گرفت تا این فیلم دست‌کم در یک سانس ویژه در جشنواره فجر سال گذشته نمایش داشته باشد، حتی در این حد نیز به آن اجازه نمایش داده نشد.

رائد فریززاده، رئیس سازمان سینمایی، هنگامی که مورد پرسش درباره اکران‌نشدن این فیلم قرار گرفت، ترجیح داد پاسخی ندهد. او که در جشنواره سینماحقیقت مورد پرسش قرار گرفته بود، گفت: «پاسخ به این سؤال را دوست دارم بدهم، اما شاید زمان مناسبی نباشد. ترجیح می‌دهم در آینده و زمانی که امکانش فراهم شود، به سوالات مربوط به پخش این فیلم پاسخ دهم».

به گزارش ایسنا، خانه هنرمندان ایران میزبان نشستنی درباره بررسی عوامل توقیف این فیلم بود که از جنبه‌های مختلف همچون مسائل حقوقی آن را ارزیابی کرد.

در این نشست لیلا حاتمی که یک پیام صوتی را برای برگزارکنندگان برنامه فرستاده بود، در صحبت‌هایی نسبت به بلاتکلیفی این فیلم کله کرد. او که نقش اصلی فیلم «قاتل و وحشی» را بازی کرده و تراشیده‌شدن موی سر او دلیل اصلی توقیف این فیلم عنوان می‌شود، بیان کرد: «این فیلم برای من خیلی ارزشمند است، مثل همه فیلم‌های حمید نعمت‌الله، واقعا احساس خاصی به کارهای ایشان دارم و حتی گاهی فکر می‌کنم شاید در احساساتم غلو می‌کنم، ولی حرص هم می‌خورم که چرا اهمیت کار ایشان درک نمی‌شود، یعنی درک می‌شود اما انگار به اندازه کافی گفته نمی‌شود و آدم‌ها فقط مستفیض می‌شوند و آنهایی که کاری از دستشان برمی‌آید عمل مثبتی جهت حمایت از تداوم کار ایشان انجام نمی‌دهند».



حاتمی افزود: «فیلم‌هایی که نعمت‌الله می‌سازد، به نظرم فقط یک داستان نیست، بلکه فردیت آدم‌ها را به صورت مستقل تحت تأثیر اجتماع بررسی می‌کند. اهمیت قاتل و وحشی در این است که در آن واحد درباره خیلی چیزها صحبت می‌کند. شخصیتی که خودم بازی می‌کنم زنی است که مادر است و وقتی پای بچه‌اش در میان است، قدرت پیدا می‌کند و با امید موفق می‌شود. اینها همه نکات مهمی است».

این بازیگر ادامه داد: «خیلی عجیب است که چرا فیلم اجازه پخش ندارد، چون اصلا قصد آن تحریف چیزی نیست، بلکه انعکاس واقعیت‌های زندگی آدم‌هاست و هیچ بهره‌برداری برای ایجاد جذابیت‌هایی که بخواد نوعی بدسیلگی یا غذای نامناسب به تماشاچی بدهد و سرگرمش کند در آن وجود ندارد. این در هیچ‌یک از کارهای آقای نعمت‌الله وجود ندارد و فقط به خشونت واقعی که در آدم‌ها هست اشاره می‌کند. به نظرم صحبت دربارۀ این خیلی مهم است ولی فکر می‌کنم کسی حواسش به این محصول نیست و کسی فرصت ندارد به آن نگاه کند، قیق ارزیابی‌کنند و به آن اهمیت بدهد».

سال پیش در آستانه مخالفت با اکران این فیلم در یک سانس، یکی از دبیران سال‌های قبل جشنواره در گفت‌وگویی دلیل توقیف این فیلم را حضور طولانی مدت «لیلا حاتمی» با سر تراشیده عنوان کرد. سیدمحمد مهدی طباطبائی‌نژاد در گفت‌وگویی با کافه آپارات که ایسنا بخش‌هایی از آن را منتشر کرده، گفت: «شاید این سؤال پیش بیاید که اگر نمایش سر تراشیده یک زن همان حکم موی او را دارد، خب چرا آن یک دقیقه‌ها مجاز بوده و این ۴۳ دقیقه مجاز نیست؟ آیا حرمت آن، زمان دارد؟ اینها مسائل فقهی است که طبق قانون، تصمیم‌گیری درباره آن بر عهده روحانی عضو شورای پروانه نمایش است و آیین‌نامه در این زمینه تأکید دارد». او همچنین گفت: «اجازه شرعی برای مجوز نمایش این فیلم نداریم، غیر از این مورد هیچ فشار بیرونی و داخلی برای عدم اکران فیلم در جشنواره وجود نداشت. آیین‌نامه شورا هم شخص روحانی حاضر در شورا را تصمیم‌گیر می‌داند، البته این به معنای مخالفت یک شخص نیست و براساس نظر روحانی، شورای پروانه نمایش درباره فیلم به جمع‌بندی نرسیده است».